

مفهوم انطباق دقیق اسناد در اعتبار اسنادی با تأکید بر سند سیاهه‌ی تجاری

مرتضی شهبازی نیا^۱

فاطمه الهلوئی زارع^۲

چکیده

اعتبارات اسنادی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، یکی از متداول‌ترین روش‌های پرداخت در معاملات بین‌المللی است. اتاق بازرگانی بین‌المللی برای یکنواخت کردن قواعد حاکم بر اعتبار اسنادی از سال ۱۹۳۳ تلاش نموده با تدوین مجموعه‌ی عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل اعتبار اسنادی، صدور اسناد مرتبط با اعتبار اسنادی را استاندارد کرده و ابهامات موجود در این روش پرداخت را از میان بردارد، تا طرف‌های درگیر در این روش پرداخت با مشکلات کمتری مواجه شوند. اما با وجود تدوین مقررات مذکور، هنوز هم ابهامات بسیاری در این روش پرداخت وجود دارد و بانک‌ها به عنوان اصلی‌ترین رکن این روش پرداخت، در بررسی اسناد ارائه شده از سوی ذینفع، با مشکلات متعددی مواجه می‌باشند. این امر بیانگر آن است که قواعد حاکم بر اصل انطباق دقیق اسناد، به اندازه‌ی کافی روشن نیست. در این نوشتار تلاش می‌شود تفاسیر متناقض اصل انطباق دقیق اسناد حل شود تا کارایی اعتبارات اسنادی افزایش یابد. این بررسی تمام طرف‌های درگیر در عملیات اعتبار اسنادی را شامل می‌شود؛ و به‌طور ویژه به مسأله‌ی اصل انطباق دقیق در سیاهه‌ی تجاری می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

اعتبار اسنادی، اصل انطباق دقیق، متقاضی، ذی‌نفع، سیاهه‌ی تجاری.

۱. دکتری حقوق خصوصی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس.
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

درآمد

یکی از مسائل مهم در هر قرارداد، نحوه‌ی پرداخت و اجرای تعهدات طرفین است. در معاملات بین‌المللی نگرانی طرفین به جهات مختلف مانند عدم آگاهی نسبت به مسایل حقوقی، سیاسی و اقتصادی کشور طرف مقابل و بعد مسافت به مراتب بیش از یک معامله‌ی داخلی است. از میان روش‌های متعدد و متنوع پرداخت در معاملات بین‌المللی، اعتبارات اسنادی، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، به عنوان مطمئن‌ترین و عمده‌ترین روش پرداخت در تجارت بین‌الملل شناخته شده است. در این روش پرداخت، بدین ترتیب عمل می‌شود که طرفین معامله به پرداخت ما به ازاء قراردادی خود، از طریق اعتبار اسنادی توافق کرده، سپس خریدار (متقاضی)^۱ از بانکی که معمولاً در کشور محل اقامت خود واقع است، (بانک گشاینده)^۲ تقاضای گشایش اعتبار به نفع فروشنده را می‌نماید. بانک مذکور در صورت موافقت با تقاضای گشایش اعتبار متعهد است که اعتبار اسنادی را منطبق با دستورات متقاضی اعتبار گشایش نموده و آن را راساً یا از طریق نماینده‌ی خود (بانک ابلاغ‌کننده)^۳ به فروشنده (ذینفع)^۴ ابلاغ نماید. چنان‌چه ذینفع، اسناد مندرج در اعتبار را در مهلت قراردادی به بانک گشاینده‌ی اعتبار و یا هر بانکی که از طرف این بانک تعیین می‌شود ارائه دهد، بانک اسناد ارائه شده را بررسی، در صورت مطابقت ظاهری اسناد با شروط مندرج در اعتبار، وجه اعتبار را به ذینفع پرداخت نموده یا تعهد پرداخت مدت‌دار را قبول خواهد کرد. یکی از دلایل موفقیت این روش پرداخت در میان سایر روش‌های پرداخت «اصل استقلال»^۵ است. (Gillies & Moens, 2000: 409) مطابق این اصل، اعتبار اسنادی از قرارداد پایه‌ی منعقد شده میان متقاضی و ذینفع اعتبار، مستقل و متمایز است؛ بانک گشاینده‌ی اعتبار و یا هر بانک دیگری که بر مبنای قرارداد اعتبار اسنادی متعهد به پرداخت وجه اعتبار است، باید بدون در نظر گرفتن مسائل و مشکلات ناشی از روابط قراردادی مبنای اعتبار اسنادی، وجه اعتبار را به ذینفع پرداخت نماید، مگر آن‌که تقلب اثبات شود. (Singh, 2006: 4) در واقع بانک گشاینده و سایر بانک‌های

1. Applicant.
2. Opening Bank; Issuing Bank.
3. Advising Bank; Notifying Bank.
4. Beneficiary.
5. Independence Principle.

دخیل در اعتبار اسنادی، تنها با یک مسأله مواجهند و آن این است که آیا اسنادی که به وسیله ذینفع ارائه می‌شود، برحسب ظاهر با شروط و تعلیقات مقرر در اعتبارنامه مطابقت دارد یا آن که چنین نیست؟ به همین سبب گفته می‌شود که موضوع اعتبار اسنادی «معامله‌ی اسناد» است و این امر که قرارداد اصلی راجع به فروش الوار، نفت، ماشین‌آلات و یا مربوط به معامله‌ی دیگری است، به بانک ارتباطی ندارد (کریمی، ۱۳۷۶: ۱۱۵؛ ریچارد جی، ۱۳۶۳: ۱۲۴). در این روش پرداخت، بانک به عنوان متعهد اصلی، باید در اجرای تعهدات خود بسیار دقیق باشد و وجه اعتبار را صرفاً در مقابل اسناد به ظاهر منطبق با شروط اعتبار پرداخت نماید. در حقوق اعتبارات اسنادی، تکلیف بانک به پرداخت وجه اعتبار در مقابل اسناد به ظاهر منطبق، تحت عنوان «اصل انطباق دقیق اسناد»^۱ شناخته می‌شود.

در این نوشتار ابتداء، مفهوم اصل انطباق دقیق اسناد بررسی شده و آن‌گاه به دلیل اهمیت سیاهه‌ی تجاری، در میان اسنادی که ارائه‌ی آن برای دریافت وجه اعتبار اسنادی ضروری است، مفهوم انطباق دقیق در این سند تجاری بررسی می‌شود.

۱. مفهوم اصل انطباق دقیق اسناد در حقوق اعتبارات اسنادی

اصل انطباق دقیق اسناد، یکی از اصول بنیادین حاکم بر حقوق اعتبارات اسنادی است. مطابق این اصل، تکلیف بانک به عنوان متعهد اصلی این روش، پرداخت وجه اعتبار در مقابل اسناد منطبق با شروط اعتبار اسنادی می‌باشد؛ این اصل بانک را در امتناع از پرداخت وجه اعتبار نسبت به اسناد مغایر با شروط اعتبار مجاز می‌کند. مطابق این اصل، حتی اگر بانک با وجود احراز اجرای تعهدات ناشی از قرارداد مبنا از سوی ذینفع، بر اساس اسناد غیرمنطبق، وجه اعتبار را پرداخت کند، باید ریسک تجاری معامله را متحمل شود؛ زیرا ممکن است متقاضی اعتبار، اسناد غیرمنطبق را نپذیرد و از بازپرداخت وجه اعتبار به بانک امتناع ورزد (Singh, 2006: 4).

در روابط ناشی از اعتبار اسنادی، بانک پرداخت‌کننده‌ی وجه اعتبار، نماینده‌ی ویژه بانک گشاینده و بانک گشاینده، نماینده‌ی ویژه متقاضی اعتبار بوده و مسؤولیت نهایی پرداخت وجه اعتبار بر عهده‌ی متقاضی است. بانک پرداخت‌کننده برای دریافت

1. The Doctrine of Strict Compliance.

وجوه پرداختی به شخصی که از او نمایندگی دارد، مراجعه می‌کند. چنانچه هر یک از این نمایندگان از حدود اختیارات خود تجاوز کنند، اصیل می‌تواند اقدامات آن‌ها را رد کند؛ در این فرض نماینده باید ریسک تجارتي معامله را بپذیرد و حق رجوع به اصیل را از دست می‌دهد (اشمیتوف، ۱۳۷۸: ۶۱۶).

بدین ترتیب، بانک در بررسی اسناد ارائه شده باید نهایت دقت را داشته باشد. چنانچه اسناد ارائه شده از سوی ذینفع، بر حسب ظاهر مطابق با شروط اعتبار باشد، بانک نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کرده و برای ایفای تعهد خود شرطی گذارد و یا فراتر از ظاهر اسناد، ادعایی را مطرح کرده و تفسیر خود را جایگزین شرایط اعتبار نماید (Maston, 1973: 42). همچنین اگر اسناد ارائه شده از سوی ذینفع بر حسب ظاهر مطابق با شروط اعتبار نباشد، حتی اگر بانک نسبت به انجام تعهدات ناشی از قرارداد پایه از سوی ذینفع علم و آگاهی داشته باشد و یا آن که اسناد ارائه شده از سوی ذینفع، به رغم عدم انطباق با شروط اعتبار، از حیث ارزش برابر و یا بالاتر از اسناد مقرر در اعتبارنامه باشد، باز هم باید از پذیرش اسناد خودداری کند (Odeke, 2005: 121).

با تحلیل دعوی اکوتبل تراست (Equitable Trus, 1926: 57) مفهوم اصل انطباق دقیق آشکارتر می‌شود. در این دعوا خریدار دانه‌های وانیل را از فروشنده‌ای در «باتاویا»^۱ (اکنون جاکارتا)^۲ خریداری کرده و به پرداخت وجه اعتبار از طریق اعتبار اسنادی توافق می‌کنند. پس از انعقاد قرارداد بیع، خریدار به بانک گشاینده دستور می‌دهد اعتبار اسنادی تأیید شده‌ای را به نفع فروشنده گشایش کرده و وجه اعتبار را در مقابل ارائه‌ی اسناد معین، از جمله گواهی کیفیت که از سوی کارشناسان^۳ صادر شده باشد، پرداخت نماید. اما بانک، به اشتباه به فروشنده ابلاغ می‌کند که وجه اعتبار در مقابل ارائه‌ی گواهی کیفیت، که از سوی کارشناس صادر شده باشد، قابل پرداخت است. فروشنده (ذینفع اعتبار) به طور متقلبانه، آشغال‌هایی که تنها یک درصد آن دانه‌های وانیل بوده، را ارسال نموده و گواهی کیفیت صادره از سوی یک کارشناس را جهت دریافت وجه اعتبار، به بانک ارائه می‌دهد. بانک

1. Batavia.

2. Jakarta.

3. By experts who are sworn borkers.

اسناد ارائه شده از سوی ذینفع را پذیرفته، وجه اعتبار را به وی پرداخت می‌نماید. بانک پس از پرداخت وجه اعتبار، جهت بازپرداخت وجوه، به متقاضی (خریدار) مراجعه می‌کند؛ اما متقاضی به دلیل عدم انطباق، اسناد را نپذیرفته و از بازپرداخت وجه اعتبار امتناع می‌نماید. با اقامه‌ی دعوی بانک علیه متقاضی، مجلس اعیان انگلستان دعوی مطروحه از سوی بانک خواهان را مردود می‌داند؛ زیرا متقاضی به بانک دستور داده وجه اعتبار را در مقابل گواهی کیفیت صادره از سوی کارشناسان پرداخت نماید، اما بانک برخلاف این دستور، وجه اعتبار را براساس گواهی کیفیت صادره از سوی یک کارشناس (به جای حداقل دو کارشناس) به ذینفع پرداخت نموده است (Gillies & Moens, 2000: 398). در این دعوا، بانک با پرداخت وجه اعتبار در برابر اسناد غیرمنطبق، حق مطالبه‌ی وجه پرداختی را از دست داده است. رأی مذکور، مؤیدی بر لزوم رعایت اصل انطباق دقیق اسناد از سوی بانک‌ها می‌باشد. در رعایت این اصل، نباید برای بانک‌ها مسؤولیتی فراتر از بررسی و احراز مطابقت ظاهری اسناد با شروط مقرر در اعتبارنامه قائل شد. به عنوان مثال چنانچه در دعوی مذکور، گواهی کیفیت به وسیله‌ی دو کارشناس تأیید می‌شد، اسناد ارائه شده از سوی ذینفع، اسناد منطبق تلقی شده و بانک می‌توانست برای استرداد وجوه پرداختی به متقاضی اعتبار مراجعه کند، هرچند کارشناسان از کشف تقلب ذینفع ناکام مانده و متقاضی کالایی دریافت نمی‌کرد و یا کالای دریافتی ناقص و یا معیوب بود.

اصل انطباق دقیق، در دعوی دیگری نیز به روشنی بیان شده است (Rayner, 1943: 37). در این دعوا، بانک گشاینده‌ی اعتبار مطابق دستور خریدار (متقاضی) یک فقره اعتبار اسنادی تأیید شده^۱ در رابطه با محموله‌ی «بادام زمینی کرومندل»^۲ را به نفع فروشنده (ذینفع) گشایش کرده و به ذینفع ابلاغ می‌نماید که با ارائه‌ی اسناد معین که حاکی از حمل کالای مذکور باشد، وجه اعتبار قابل پرداخت است. ذینفع برای دریافت وجه اعتبار، بارنامه‌ای حاکی از حمل «مغز بادام زمینی پوست‌کنده»^۳ به بانک ارائه می‌کند. بانک با این استدلال که اسناد ارائه شده، با شروط اعتبار منطبق نیست، از پرداخت وجه امتناع می‌نماید. با اقامه‌ی دعوا از سوی

1. Confirmed Letter of Credit.
2. Coromandel Groundnuts.
3. Machine-Shelled Groundnut Kernels.

ذینفع، دادگاه بدوی به استناد این که در عرف تجاری عبارت «مغز بادام زمینی پوست‌کنده» با عبارت «بادام زمینی کرومندل» معنای یکسانی دارد، به الزام بانک به پرداخت وجه اعتبار حکم می‌نماید؛ اما دادگاه استیناف با توجه به اصل انطباق دقیق اسناد، مقرر می‌کند که امتناع بانک از پرداخت وجه اعتبار موجه است؛ زیرا نباید از بانک پرداخت‌کننده‌ی وجه اعتبار اسنادی، انتظار داشت نسبت به تمام شروط معمول و متعارف در معاملات مبنای قرارداد اعتبار اسنادی، آگاهی داشته باشند (Gillies. & Moens, 2000: 399). در واقع بانک، صرفاً بر اساس اسناد عمل می‌کند و مکلف به بررسی واقعیتهایی نمی‌باشد که اسناد بیانگر آن نیست.

اصل انطباق دقیق اسناد، افزون بر رویه‌ی قضایی دادگاه‌های انگلستان و ایالات متحده آمریکا،^۱ در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی^۲ نیز به رسمیت شناخته شده است. UCP 600 «ارائه‌ی مطابق»^۳ را ارائه‌ی دانسته است که با مفاد شرایط اعتبار، مواد معمول این مقررات (UCP) و استانداردهای بین‌المللی عملیات بانکی مطابقت داشته باشد (UCP 600, 2007, Art 2) و در مبحث بررسی اسناد مقرر می‌دارد: «بانک تعیین شده‌ای که موافقت خود را اعلام کرده، بانک تأییدکننده و نیز در صورت وجود، بانک گشاینده باید اسناد ارائه شده را بررسی و صرفاً بر اساس صورت ظاهر اسناد مشخص کند که آیا اسناد ارائه شده، مطابق با شرایط اعتبار به نظر می‌رسند یا آن که چنین نیست» (a) (UCP 600, 2007, Art 14).

مواد UCP 600 تکلیف بانک در بررسی اسناد ارائه شده از سوی ذینفع را به بررسی صورت ظاهر اسناد محدود نموده است. مفهوم «صورت ظاهر»^۴ اسناد این است که تعهد بانک در بررسی اسناد، به بررسی عبارات و مندرجات برگه محدود است؛ نه واقعیتهایی که عبارات مزبور بیانگر آن است. لذا چنانچه بانک، بر اساس صورت «ظاهر اسناد»، در خصوص مطابقت یا عدم مطابقت اسناد با شروط و تعلیقات اعتبار اسنادی اتخاذ تصمیم کند، به تکلیف خود عمل کرده است. با توجه به ماهیت

1. See: *Equitable Trush .v. Dawson partener 27 L Ioyd's list .R. 49,52 (H.L)(1927)-fidelity national Bank .v. Dade country 371 so 2d 545 .p.546.*

2. Uniform Customs and Practice for Documentary Credit.

3. Complying Presentation.

4. See: UCC 5-108 ; Isp98 Rule 4.01(b) , Rule 4.0.

5. Appear on their Face.

قرارداد اعتبار اسنادی که سندمحور است، واژه‌ی «صورت ظاهر اسناد»، صرفاً به روی سند اشاره نداشته و عباراتی که به طور معمول در پشت اسناد درج می‌شود، را نیز در بر می‌گیرد (Busto, 1993: 39).

در خصوص اعتبارات اسنادی الکترونیک، «صورت ظاهر اسناد» به این معنی نیست که صرفاً اطلاعات مندرج در صفحه‌ی نمایشگر بانک بررسی‌کننده‌ی اسناد بررسی شود؛ زیرا، فرمت یک برنامه‌ی کامپیوتری که برای نمایش اسناد الکترونیکی به کار می‌رود، ممکن است اطلاعات خاصی را مخفی کرده و تنها اطلاعات برنامه‌ریزی شده را نمایش دهد؛ در حالی که ممکن است احراز انطباق یا عدم انطباق اسناد نیازمند بررسی اطلاعات مخفی باشد. بنابراین، در اعتبارات اسنادی الکترونیک، بانک‌ها ناگزیر از بررسی کلیه‌ی اطلاعات برنامه‌ریزی شده در خصوص اسناد تجاری ارائه شده از سوی ذینفع، می‌باشند (Byine, 2002: 105).

در مجموع اصل انطباق دقیق اسناد، برای حمایت از متقاضی اعتبار طراحی شده است، رعایت این اصل از سوی بانک پرداخت‌کننده‌ی وجه اعتبار، به میزان قابل توجهی امکان عدم اجرا و یا اجرای ناقص تعهدات ناشی از قرارداد مبنای اعتبار اسنادی را کاهش می‌دهد. با اجرای این اصل، متقاضی اطمینان خاطر می‌یابد که وجه اعتبار در برابر اسنادی پرداخت شده که بیانگر اجرای تعهدات ناشی از قرارداد پایه بوده و خود او، ارائه‌ی این اسناد را برای پرداخت ضروری دانسته است. همچنین اصل مذکور از بانک‌های دخیل در عملیات اعتبارات اسنادی حمایت کرده و آن‌ها را از داوری‌های سلیقه‌ای در خصوص اسناد ارائه شده، رها کرده و در صورت تطابق ظاهری اسناد با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی، بانک‌ها را از مسؤولیت مبرا می‌نماید (ایکس یانگ، ۱۳۸۵: ۳۴۳).

هر چند با توصیفات ذکر شده، مفهوم اصل انطباق دقیق اسناد به طور کلی آشکار گردید، اما در خصوص مفهوم این اصل به ویژه در سند سیاهه‌ی تجاری، تردید است و مشخص نیست که آیا مقصود از این اصل در سیاهه‌ی مذکور، انطباق لفظ به لفظ توضیحات مندرج در این سند و شروط مندرج در اعتبار اسنادی است؛ یا آن که انطباق اساسی و ذکر شروط اصلی کالا یا خدمات موضوع قرارداد در سیاهه‌ی تجاری برای منطبق دانستن این سند کفایت می‌کند. با توجه به اهمیت رعایت اصل انطباق

دقیق اسناد در سند مذکور، مفهوم این اصل در سیاهه‌ی تجاری بررسی می‌شود.

۲. مفهوم اصل انطباق دقیق اسناد در «سیاهه‌ی تجاری»^۱

اعتبار اسنادی قراردادی سندمحور است؛ در این روش پرداخت مطالبه‌ی وجه از سوی ذینفع، منوط به ارائه‌ی اسناد منطبق با شرایط اعتبار است. بر این اساس، متقاضی همزمان با تقاضای گشایش اعتبار، تعداد، نوع و مشخصات اسنادی که ارائه‌ی آن از سوی ذینفع ضروری است، را به طور دقیق و روشن مشخص می‌کند؛ بانک گشاینده‌ی اعتبار نیز با توجه به اسناد مورد درخواست متقاضی، مقررات جاری ارزی و دستورالعمل‌های بانکی، نسبت به گشایش اعتبار اسنادی اقدام می‌نماید (زمانی فراهانی، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

اسنادی که به طور معمول در قراردادهای خرید و فروش بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند، به دو دسته‌ی اسناد حمل اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. اسنادی که در قرارداد اعتبار اسنادی، ارائه‌ی آن از سوی ذینفع برای دریافت وجه اعتبار ضروری است، اسناد حمل اصلی نامیده می‌شود (مرادی نبی، ۱۳۸۰: ۲۸۹). این اسناد شامل بارنامه،^۲ سند بیمه^۳ و سیاهه‌ی تجاری است. اما اسناد حمل فرعی، اسنادی است که در برخی از قراردادها، ارائه‌ی آن از سوی ذینفع برای دریافت وجه اعتبار ضروری است. اسناد مذکور دارای مصادیق بسیاری است، اما رایج‌ترین آن‌ها گواهی مبدأ، گواهی بازرسی، گواهی استحکام، گواهی انطباق، گواهی بهداشت یا سلامت و گواهی وزن است.

در میان اسناد حمل اصلی، سیاهه‌ی تجاری آسان‌ترین و قطعی‌ترین وسیله‌ی احراز انجام تعهد ذینفع در حمل کالا است (مرادی نبی، ۱۳۸۰: ۲۸۹). سیاهه‌ی تجاری صورت حسابی است که متضمن شرح کامل کالا و قیمت واحد و کل کالا، وزن خالص، ناخالص، هزینه‌ی حمل، نام وسیله‌ی حمل، تعرفه‌ی گمرگی، شماره‌ی اعتبار اسنادی، شماره‌ی قرارداد فروش و ... است. سیاهه‌ی گواهی‌شده،^۴ سیاهه‌ی قانونی^۵ و

1. Commercial Invoice.
2. Bill of Lading.
3. Insurance Policy
4. Certified Invoice.
5. Legalized Invoice.

سیاهه‌ی کنسولی^۱ از رایج‌ترین انواع سیاهه‌های رسمی و قانونی است که ممکن است در شرایط اعتبار اسنادی، ارائه‌ی آن از سوی ذینفع برای دریافت وجه اعتبار ضروری باشد (ذوقی، ۱۳۶۸، صص ۶۰-۶۱). سیاهه تجاری یکی از مهمترین اسنادی است که ارائه‌ی آن از سوی ذینفع برای دریافت وجه اعتبار اسنادی ضروری بوده و یکی از اساسی‌ترین تکالیف بانک‌های پرداخت‌کننده‌ی وجه اعتبار، بررسی مطابقت سیاهه‌ی تجاری با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی است.

بانک‌ها در تشخیص مفهوم انطباق سند سیاهه‌ی تجاری با اعتبار اسنادی، همواره دچار مشکل بوده‌اند، به گونه‌ای که بر اساس یک نظرسنجی جهانی، بیش از نیمی از اسناد ارائه شده به بانک‌ها در نخستین مرحله‌ی ارائه‌ی اسناد، به علت مغایرت مورد پذیرش بانک قرار نمی‌گیرد (شیرازی، ۱۳۸۵: ۹).

بند ۳ ماده‌ی ۱۸ UCP 600 به عنوان مقررده‌ی حاکم بر قرارداد اعتبار اسنادی، در رابطه با توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری مقرر می‌دارد: «شرح کالا (خدمات یا عملکرد) مذکور در سیاهه‌ی تجاری باید با آنچه در شرایط اعتبار درج شده است، مطابقت داشته باشد». همچنین در ماده‌ی ۲ این مقررات، ارائه‌ی مطابق به ارائه‌ی تعریف شده است که «با مفاد شرایط اعتبار، مواد معمول این مقررات (UCP) و استانداردهای بین‌المللی عملیات بانکی (ISBP) مطابقت دارد». همچنین در مواد دیگری از UCP 600، در صورتی که اسناد مقرر به بانک گشاینده/ تأییدکننده ارائه شود و اسناد مذکور با شرایط اعتبار مطابق باشد، بانک ملزم به پذیرش پرداخت شده است.

UCP 600 همانند UCP 500، صرفاً به ضرورت مطابقت اسناد، به ویژه سیاهه‌ی تجاری با شرایط اعتبار اشاره داشته، اما در خصوص مفهوم مطابقت توضیحی ارائه نموده است. در واقع قواعد مندرج در مقررات مذکور، در خصوص چگونگی توصیف به اندازه کافی روشن نبوده و مشخص نیست چنین توصیفی باید دقیقاً و بند به بند منطبق با توصیف کالا در اعتبار باشد و یا آن که انطباق در شرایط اساسی توصیف کالا، برای پرداخت وجه اعتبار کفایت می‌کند (Krazovska, 2008: 44)؟ این موضوع بیانگر آن است که مقررده‌ی قانونی و اصول

1. VISAED Invoice.

مسلم پذیرفته شده‌ای در حقوق تجارت بین‌الملل در این خصوص وجود نداشته و برای ارائه‌ی پاسخی مناسب و برطرف کردن ابهامات فوق، ناگزیر از بررسی آراء محاکم قضایی می‌باشیم. در آراء صادره در خصوص توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ یک نظر این است که انطباق لفظ به لفظ توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با شرایط اعتبار، شرط لازم برای پرداخت وجه اعتبار است.^۱ نظر دیگر آن است که انطباق اساسی میان شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط اعتبار برای پرداخت وجه اعتبار کفایت می‌کند.^۲

۲-۱. انطباق لفظ به لفظ^۲ توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با شرایط

اعتبار

مطابق نظر برخی از محاکم رسیدگی کننده به دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی، توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری باید عیناً منطبق با شرایط اعتبار باشد (Krazovska, 2008: 44). مطابق این نظریه، حتی وجود مغایرت جزئی میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در اعتبارنامه، بانک را از پرداخت وجه اعتبار منع می‌کند؛ هرگاه بانک در مقابل چنین سیاهه‌ای، وجه اعتبار را پرداخت کند، متقاضی اعتبار یا بانک دستوردهنده می‌تواند از بازپرداخت وجه اعتبار امتناع نماید؛ در این صورت ریسک این اقدام بر بانک پرداخت کننده وجه اعتبار تحمیل می‌شود. در واقع این محاکم معتقدند که چنانچه توصیف کالا در اعتبار اسنادی در بردارنده ویژگی خاص و معینی باشد، سیاهه‌ی تجاری باید عیناً و دقیقاً در بردارنده همان ویژگی برای توصیف کالا باشد، حتی از قلم افتادن یک واژه‌ی بی‌اهمیت سبب مغایرت سیاهه‌ی تجاری خواهد شد.

برای آگاهی از این رویه می‌توان به برخی آراء صادره در این خصوص استناد نمود؛ نخستین رأی در دعاوی Bank Melli Iran علیه Barclays Bank (D.C.O)

1. Bank Melli Iran [1951] 2 Lloyd's Rep.367-Courtaubls North America, Inc 528.2d802, C.A.NC.1975. Kydon Compania Naviera S.A[1981] 1 Lloyd's Rep. 68,QBD.

2. Oei, R.T., & . Kools, M.J.F.N., d/b/a kools de visser .v. Citibank , N.A and Citibank International 957F. supp. 492, S.D. N.Y. 1997.

3. Literal Compliance.

صادر شده است.

مطابق این پرونده، Bank Melli Iran متقاضی از بانک گشاینده‌ی اعتبار، گشایش اعتبار اسنادی تأیید شده‌ی غیرقابل برگشت، به نفع ذینفع را تقاضا می‌نماید. بانک مذکور مطابق دستور متقاضی، با افتتاح اعتبار اسنادی مراتب را جهت تأیید به بانک تأییدکننده ارسال و اعلام می‌کند که در صورت ارائه‌ی سیاهه‌ی تجاری حاکی از حمل «یک‌صد دستگاه شورلت نو»^۱ از سوی ذینفع، وجه اعتبار قابل پرداخت است. ذینفع سیاهه‌ی تجاری، مبنی حمل یک‌صد دستگاه شورلت «در وضعیت نو»^۲ را جهت دریافت وجه اعتبار، به بانک تأییدکننده ارائه می‌نماید. این بانک نیز پس از پرداخت وجه اعتبار، حساب بانک گشاینده‌ی اعتبار را به میزان مبلغ پرداختی بدهکار می‌نماید.

بانک گشاینده‌ی اعتبار با اعتراض به بدهکار شدن حساب خود نزد بانک تأییدکننده، علیه این بانک اقامه‌ی دعوا کرده و ادعا می‌کند که بانک تأییدکننده، وجه اعتبار را در برابر اسناد منطبق با شروط اعتبار پرداخت ننموده است لذا، حق بدهکار کردن حساب بانکی ایشان را نداشته است. در واقع بانک گشاینده، اقدام بانک تأییدکننده را خارج از حدود اختیارات این بانک و پرداخت در برابر اسناد مغایر با شروط اعتبار اسنادی دانسته و اظهار داشته است که تعهدی به بازپرداخت وجوه پرداختی بانک تأییدکننده ندارد.

دادگاه با استناد به اصل انطباق دقیق اسناد اظهار می‌دارد که مطابق دستور بانک گشاینده، وجه اعتبار در برابر سیاهه‌ی تجاری حاکی از حمل یک‌صد دستگاه شورلت نو^۳ قابل پرداخت بوده، اما بانک تأییدکننده، وجه اعتبار را برابر سیاهه‌ی تجاری حاکی از حمل یک‌صد دستگاه شورلت در وضعیت نو پرداخت نموده است. هرچند ممکن است واژه‌ی "New" در تجارت خاص وسایل نقلیه‌ی موتوری معنای واحدی داشته باشد، اما این موضوع در پرونده‌ی مورد بررسی قابل اعمال نیست. مفهوم این واژه در سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی متفاوت است. مقصود از واژه‌ی مذکور در اعتبار اسنادی این

1. 100 New Chevrolet Trucks.
2. In New Condition.
3. Chevrolet Trucks New.

است که کالاهای مورد معامله نو بوده و مستعمل نباشد؛ اما مقصود از آن در سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع، این است که کالاها در وضعیت نو و خوب باشد، اما به معنای غیرمستعمل بودن کالاها نبوده و ممکن است کالا ضمن مستعمل بودن، در وضعیت نو و خوب باشد. دادگاه اقدام بانک تأییدکننده را خارج از حدود اختیارات این بانک و پرداخت در برابر اسناد غیرمنطبق دانسته و اعلام داشته است که این بانک حق بدهکار نمودن حساب بانک گشاینده‌ی اعتبار را نداشته است.

در مجموع مطابق نظر دادگاه، توصیف کالا در اعتبار اسنادی باید عیناً در سیاهه‌ی تجاری کپی شود. زیرا، حتی کوچک‌ترین مغایرت در عبارت‌سازی و جمله‌بندی توصیف کالا می‌تواند دلیلی اساسی برای عدم پرداخت وجه اعتبار اسنادی تلقی شود (Krazovska, 2008, p.46).

پرونده‌ی دوم به دعوی North Courtaulds North America INC علیه North Carolina Nat. Bank اختصاص دارد. در این پرونده (Courtaulds North America INC, 1970: 803) بانک گشاینده‌ی اعتبار به درخواست متقاضی، یک فقره اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت را به نفع فروشنده گشایش کرده و به ایشان ابلاغ می‌کند که ارائه‌ی سه نسخه سیاهه‌ی تجاری اصل که بر حمل «نخ صد درصد اکریلیک»^۱ دلالت نماید، برای دریافت وجه اعتبار اسنادی ضروری است. ذینفع در موعد مقرر، سیاهه‌ی تجاری حاکی بر حمل «نخ اکریلیک وارداتی»^۲ را جهت دریافت وجه اعتبار به بانک ارائه می‌دهد. بانک به استناد این که سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع، با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی منطبق نیست، از پرداخت وجه اعتبار امتناع می‌نماید.

با اقامه‌ی دعوا از سوی ذینفع دادگاه با استناد به اصل انطباق دقیق اسناد، اظهار می‌دارد که مطابق شروط مندرج در اعتبار اسنادی، ارائه‌ی سیاهه‌ی تجاری بیانگر حمل کالایی با توصیف «نخ صد درصد اکریلیک» ضروری بوده؛ و هیچ عبارت دیگری، هرچند با عبارت مندرج در شرایط اعتبار برابر و یا جایگزین آن باشد، نمی‌تواند نقض و مغایرت موجود در سیاهه‌ی تجاری را از میان برد. در این دعوا، ذینفع برای دریافت وجه اعتبار، سیاهه‌ی تجاری فاقد وصف مندرج در قرارداد

1. 100% Acrylic Yarn.
2. Imported Acrylic Yarn.

اعتبار اسنادی را ارائه نموده، هر چند فهرست بسته‌بندی ضمیمه‌ی سیاهه‌ی تجاری بیانگر حمل بسته‌های دارای علامت «100% Acrylic Yarn» می‌باشد، اما این امر نمی‌تواند مغایرت موجود در سیاهه‌ی تجاری را جبران کند. در این دعوا، امتناع بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی، موجه و قانونی دانسته شد (Gillies & Moens, 2000: 404).

در این پرونده، دادگاه با استناد به اصل انطباق دقیق اسناد، مغایرت جزئی میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در اعتبار اسنادی را علت موجه در امتناع بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی دانسته و اضافه نموده که شروط تجاری که ممکن است در روابط تجاری طرفین به خوبی فهمیده شود، نمی‌تواند به عنوان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری قلمداد شود؛ هم‌چنین نقض و عیب توصیف کالا در این سند تجاری نمی‌تواند با ارجاع به اسناد منطبق دیگر جبران و رفع شود (Krazovska, 2008: 46).

پرونده‌ی دیگر ناظر به دعوی Na-Kydon kompani Naviera S.A علیه Na-tional Westminster Bank Ltd. and others در قرارداد اعتبار اسنادی موضوع این دعوا (Kydon Compania Naviera Co,) (1981, 68) ارائه‌ی سه نسخه‌ی سیاهه‌ی تجاری اصل، حاکی از حمل کشتی با تابعیت یونانی که دارای ۱۱۲۵۰ تن وزن ناخالص، ۵۷۹۰ تن ظرفیت جابجایی بوده و در اول ژانویه سال ۱۹۵۱ ساخته و به شماره‌ی ۶۸۵۷ ثبت شده باشد؛ به همراه تمامی تجهیزات و لوازم اضافی که مطابق توافق‌نامه‌ی مورخ دوم ژوئیه سال ۱۹۷۴ در عرشه‌ی کشتی قرار گرفته، برای دریافت وجه اعتبار اسنادی ضروری بوده است. ذینفع نیز سه نسخه سیاهه‌ی تجاری اصل حاکی از حمل با کشتی Lena با تابعیت یونانی، دارای ۱۱۱۲۳ تن وزن ناخالص و ۶۲۹۷ تن ظرفیت جابجایی را جهت دریافت وجه اعتبار اسنادی به بانک تأییدکننده‌ی اعتبار ارائه می‌دهد.

بدین ترتیب، سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع، در خصوص وزن ناخالص و ظرفیت جابه‌جایی کشتی مورد معامله، با شروط مندرج در اعتبار اسنادی منطبق نبوده، هم‌چنین سیاهه‌ی تجاری در خصوص سال ساخت کشتی و این امر که کلیه‌ی تجهیزات و لوازم اضافی مطابق توافق‌نامه‌ی فوق در عرشه‌ی کشتی قرار

گرفته باشد، ساکت است.

بانک تأییدکننده‌ی اعتبار، با این استدلال که سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع با شروط مندرج در اعتبار مغایرت دارد، از پرداخت وجه اعتبار امتناع می‌نماید.

با طرح دعوا از سوی ذینفع، دادگاه مغایرت جزئی میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در اعتبار اسنادی را علت موجه برای امتناع بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی دانسته و اظهار می‌دارد جز در مواردی که برخلاف این امر توافق شده و در اعتبار بر آن تصریح شده باشد، ذینفع باید از عبارات و شروط مندرج در اعتبار پیروی کند. هرگاه ذی‌نفع برای توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری از عباراتی استفاده کند که با عبارات مندرج در اعتبار اسنادی متفاوت است، اما در روابط تجاری میان خریدار و فروشنده همان معنای عبارات مندرج در اعتبار را داشته باشد، باز هم اسناد مغایر محسوب می‌شوند و بانک باید از پرداخت وجه اعتبار امتناع نماید. پذیرش نظر مخالف موجب می‌شود بانک در بررسی اسناد ارائه شده از سوی ذینفع، درگیر بررسی و قضاوت نسبت به موضوعات گوناگون و نامشخصی شود. امری که باید برای عملکرد مناسب سیستم اعتبار اسنادی از آن اجتناب نمود (Schelin, 2003: 26).

دادگاه مذکور به ضرورت و اهمیت انطباق دقیق و لفظ به لفظ توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با توصیف کالا در شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی تأکید داشته و مقرر نموده است که در اعتبار اسنادی، بانک‌ها با اسناد ارتباط داشته و تنها اسناد ارائه شده را بررسی می‌نمایند؛ بر این مبنا نمی‌توان از بانک انتظار داشت نسبت به قواعد ویژه‌ی روابط تجاری طرفین، که اعتبار اسنادی بر مبنای آن گشایش یافته، شناخت داشته باشد. به طور کلی مطابق نظر دادگاه، سیاهه‌ی تجاری باید تمام شروط توصیف کالا که در قرارداد اعتبار اسنادی درج شده را شامل شود و ارجاع به اسناد دیگر نمی‌تواند نقض توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری را توجیه نماید.

۲-۲. انطباق اساسی^۱ توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی

مطابق نظر برخی از محاکم رسیدگی‌کننده به دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی، انطباق اساسی میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی، برای پرداخت وجه اعتبار کفایت می‌کند. مطابق این نظریه، وجود مغایرت جزئی میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در اعتبارنامه، مانع از پرداخت وجه اعتبار نمی‌باشد. طرفدارن این نظریه، براین عقیده‌اند که مقصود از مطابقت سیاهه‌ی تجاری با اعتبار اسنادی این نیست که شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری باید عیناً و دقیقاً به مانند شرح کالا در اعتبار اسنادی باشد؛ بلکه مقصود آن است که سیاهه‌ی تجاری باید در بردارنده‌ی عناصر اساسی و مهم توصیف کالا باشد و لزومی به ذکر تمام جزئیات مذکور در قرارداد اعتبار اسنادی نمی‌باشد.^۲ بنابراین حذف یک کلمه از شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری، در صورتی که جزء اساسی و مهم توصیف کالا نباشد، مغایرت در اسناد تلقی نخواهد شد^۳ و مفهوم انطباق شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری، انطباق در شروط و توصیفات اساسی و مهم است و نه هر توصیفی که در شرایط اعتبار درج شده است. برخی آراء صادره بر مبنای این تفسیر بیان می‌شود.

نخستین پرونده مربوط به دعاوی *Glencore International AG & Anor* علیه *Bank of China* است. مطابق اعتبار اسنادی مبنای این پرونده، (102 1996)، *Glencore International AG* ارائه‌ی سیاهه‌ی تجاری حاکی از حمل کالا با «هر نام تجاری غربی»^۴ برای دریافت وجه اعتبار ضروری بوده است. ذینفع در موعد مقرر در قرارداد اعتبار اسنادی، سیاهه‌ی تجاری دال بر حمل کالا با «هر نام تجاری غربی- اندونزیایی»^۵ را برای دریافت وجه اعتبار به بانک ارائه می‌دهد. بانک به این استناد که سیاهه‌ی مذکور با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی منطبق نمی‌باشد، از پرداخت وجه اعتبار امتناع می‌نماید.

1. Substantial Compliance.
2. *Astro Exito Navegacion S.A* [1986] 1 Lloyd's Rep 455, QBD.
3. *Luen Hop Hong* [1973] HKLR521, FC.
4. Any Western Brand.
5. Any Western Brand –Indonesia.

با طرح دعوا از سوی ذینفع دادگاه تجاری اظهار می‌دارد که مطابق قرارداد اعتبار اسنادی، سیاهه‌ی تجاری باید بر حمل کالای دارای برند تجاری غربی دلالت نماید و سیاهه‌ی تجاری ارائه شده، فاقد این شرط است؛ چه بسا واژگی اضافی «اندونزیایی» در روابط تجارتهی معنای خاص و ویژه‌ای داشته باشد؛ لذا نمی‌توان از بانک انتظار داشت که نسبت به شروط تجاری حاکم بر قرارداد مبنای اعتبار اسنادی آگاهی داشته باشد. از این رو سیاهه‌ی مذکور با شروط اعتبار منطبق نبوده و بانک در رد اسناد مغایر، مجاز بوده است. دادگاه تجدیدنظر مقرر می‌دارد که نام تجاری مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی "Any Western Brand" عبارت بسیار موسعی است که به طور معمول در تجارت بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. ذینفع برای دریافت وجه اعتبار، سیاهه‌ای تجاری ارائه داده که عبارت "Any Western Brand - Indo-nesia" به عنوان نام تجاری کالا در آن قید شده و کلمه‌ی "Indonesia" به شرط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی اضافه شده است. عبارت اضافی مندرج در سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع که عبارت کلی مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی را خاص‌تر می‌کند، نمی‌تواند قواعد محدودکننده‌ای را برای ذینفع ایجاد نماید.

در مجموع دادگاه توضیحات اضافی مندرج در سیاهه‌ی تجاری را متناقض با ضروریات اعتبار اسنادی ندانسته و ضمن صدور حکم به نفع خواهان اظهار می‌دارد که توضیحات کالا در سیاهه‌ی تجاری باید منعکس‌کننده‌ی شروط ضروری اعتبار اسنادی بوده و با ضروریات اعتبار متناقض نباشد.

رای دوم مربوط به دعوی Bank of East Asia Luen Hop Hong علیه Luch Hop Hong, 1973) می‌باشد؛ مطابق اعتبار اسنادی مبنای این پرونده (Luch Hop Hong, 1973)، ارائه‌ی سیاهه‌ی تجاری دال بر حمل موتورهای دیزلی دست دوم باغبانی، دارای مدل 3UC 3:1، برای دریافت وجه اعتبار ضروری بوده است. ذینفع در موعد مقرر، اسناد مندرج در اعتبارنامه را جهت دریافت وجه اعتبار به بانک گشاینده‌ی اعتبار ارائه می‌دهد، اما در سیاهه‌ی تجاری ارائه شده کلمه‌ی "Model" از شرح موتور دیزلی حذف شده، اما شماره‌ی موتور "3UC 3:1" در سیاهه‌ی تجاری درج می‌شود. بانک گشاینده‌ی اعتبار، اسناد ارائه شده را منطبق با شروط اعتبار دانسته، وجه اعتبار را پرداخته و جهت دریافت وجوه پرداختی به متقاضی اعتبار مراجعه

می‌کند. متقاضی، به استناد اینکه توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با شرایط اعتبار منطبق نبوده و بانک وجه اعتبار را برابر اسناد غیرمنطبق پرداخته، از بازپرداخت وجه اعتبار امتناع نموده و و با طرح دعوا علیه بانک گشاینده اظهار می‌دارد که اعتبار اسنادی مبنای دعوا، تابع UCP نشریه‌ی ۲۲۲ ویرایش سال ۱۹۹۲ می‌باشد. ماده‌ی ۳۰ این مقررات، در خصوص توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری مقرر می‌دارد: «توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری باید با توصیف کالا در اعتبار اسنادی یکسان و همانند باشد». اما بانک گشاینده، وجه اعتبار را در برابر سیاهه‌ی پرداخت نموده که منطبق با شروط اعتبار نبوده است. لذا، تکلیفی به بازپرداخت وجه پرداختی نخواهد داشت.

دادگاه تجاری رسیدگی‌کننده ضمن رد ادعای خواهان اظهار می‌دارد که ماده‌ی مذکور بر ضرورت تطابق لفظ به لفظ میان توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری و شروط اعتبار دلالت ندارد. به موجب این ماده توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری باید در تمام ویژگی‌های اساسی و مهم با توصیف کالا در اعتبار اسنادی منطبق باشد، نه هر توصیف دیگری. در این دعوا، وجود یا عدم وجود واژه‌ی "Model" راجع به شماره‌ی موتور دیزلی، ویژگی اساسی و مهمی در توصیف کالا تلقی نمی‌شود؛ تا بانک را در رد اسناد و امتناع از پرداخت وجه اعتبار مجاز نماید. اگرچه ممکن است در برخی از موارد، حذف این واژه از توصیف کالا، آثار جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد،^۱ اما در این دعوا تردیدی نیست که چنین حذفی جنبه‌ی اساسی و مهمی نداشته است؛ زیرا، عبارت "3UC 3:1" که بیانگر شماره‌ی مدل موتور دیزلی می‌باشد، در سیاهه‌ی تجاری قید شده است. بنابراین، سیاهه‌ی مذکور با شروط اساسی مندرج در اعتبار اسنادی منطبق بوده و بانک گشاینده در پرداخت وجه اعتباری اسنادی محق بوده است (Krazovska, 2008, 45).

مورد دیگر مربوط به دعوی Chase Astro Exito Navegacion S.A علیه Manhattan Bank N.A می‌باشد. مطابق اعتبار اسنادی مبنای این پرونده، (Astro Exito Navegacion S.A, 1986, 455) ارائه‌ی سیاهه‌ی تجاری حاکی از ارسال کشتی موتوری با تابعیت یونان، به نام "Messiniaki Tohlmi" و نام قبلی "Berger"

1. See: Rudy T.oei and M.J.F.N. Kools , d/b/a kools de visser v. citibank, N.A and citibank International 957F. supp. 492, S.D.N.Y., 1997.

"Pilot"، دارای حدود یکصد و پنجاه تن ظرفیت جابجایی، پروانه‌ی برنزی و دودکش یدکی، که تا سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۸۰ در تایوان در ملکیت "Kaochsiung" قرار داشته، ضروری بوده؛ همچنین مطابق قرارداد اعتبار اسنادی سیاهه‌ی تجاری باید بر ارسال کشتی شناور سالم، محکم، ایمن و منطبق با توافقنامه‌ی منعقد در دوم ژوئیه ۱۹۸۰ دلالت می‌نمود. ذینفع در موعد مقرر اسناد مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی را جهت دریافت وجه اعتبار به بانک ارائه می‌دهد.

بانک تأییدکننده‌ی اعتبار، ضمن بررسی اسناد اظهار می‌دارد که در این سیاهه‌ی دو عبارت «کشتی تا سی‌ام سپتامبر سال ۱۹۸۰ در تایوان در ملکیت Kaoshsiung قرار داشته» و «کشتی ارسال شده به عنوان شناور سالم، ایمن و محکم و منطبق با توافقنامه‌ی رسمی منعقد در دوم ژوئیه‌ی سال ۱۹۸۰ می‌باشد»، حذف شده است، همچنین سیاهه‌ی مذکور در ارجاع به نام قبلی کشتی، از عبارت "Previous Berger Pilot" به جای "ex Berge Pilot" استفاده کرده است. بنابراین، این سیاهه با شروط اعتبار منطبق نمی‌باشد.

با طرح دعوا در دادگاه، بانک تأییدکننده در مقام دفاع اظهار می‌دارد که اعتبار اسنادی موضوع دعوا، بر مبنای UCP نشریه‌ی ۲۹۰ منعقد شده است. مطابق بند C ماده‌ی ۳۲ UCP^۱ توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری باید با توصیف مقرر در اعتبار منطبق باشد. در حالی که سیاهه‌ی تجاری ارائه شده از سوی ذینفع، با شروط اعتبار منطبق نبوده و فاقد برخی از شروط مندرج در اعتبارنامه می‌باشد. بنابراین بانک نه تنها مجاز، بلکه مکلف به رد اسناد مغایر ارائه شده از سوی ذینفع بوده است. دادگاه ضمن تأیید ادعای ذینفع و رد دفاعیات بانک تأییدکننده حکم نمود که استفاده از عبارت "Previous Berger Pilot" به جای "ex Berge Pilot" به عنوان مغایرت در سیاهه‌ی تجاری قلمداد نمی‌شود، زیرا این دو عبارت معنای مشترکی داشته و هر دو بر نام قبلی کشتی دلالت دارند. همچنین از قلم افتادن سایر عبارات در سیاهه‌ی مذکور، که به عنوان مغایرت در اسناد تلقی شده است، یک قسمت از توصیف اساسی کالا نبوده و از قلم افتادگی‌های مورد اشاره، در ارزش و

۱. بند C ماده‌ی UCP 32 نشریه‌ی ۲۹۰ همان عبارت مندرج در بند C ماده‌ی ۱۸، UCP نشریه‌ی ۶۰۰ را مطرح می‌کند.

اعتبار سیاهه‌ی تجاری تأثیری نخواهد داشت. دادگاه با این استدلال که بند C ماده‌ی UCP 32 نشریه‌ی ۲۹۰ به مطابقت توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری، به عناصر اساسی توصیف کالا در اعتبارنامه اشاره دارد و نه آن که توصیف در سیاهه‌ی تجاری باید دقیقاً همانند توصیف کالا در اعتبار باشد، امتناع بانک تأییدکننده از پرداخت وجه اعتبار اسنادی را موجه ندانسته و بانک را به پرداخت وجه اعتبار ملزم می‌نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

برآمد

محاکم رسیدگی کننده به دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی، برای تشخیص مطابقت یا مغایرت سیاهه‌ی تجاری با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی از معیار واحدی پیروی نکرده‌اند. عدم تجانس و سازگاری احکام دادگاه‌ها در رابطه با توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری، ناشی از تفاسیر متفاوت از UCP می‌باشد. بند ۳ ماده‌ی ۱۸ UCP نشریه‌ی ۶۰۰، که در ویرایش‌های مختلف UCP بدون تغییر باقی مانده، در رابطه با توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری مقرر می‌دارد: «شرح کالا (خدمات یا عملکرد) مذکور در سیاهه‌ی تجاری باید با آنچه در شرایط اعتبار درج شده است، مطابقت داشته باشد».

عبارات UCP در رابطه با توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری، به اندازه‌ی کافی روشن نیست. UCP از واژه‌ی «مطابقت» در رابطه با توصیف کالا استفاده نموده است؛ اما مشخص نمی‌باشد که آیا مقصود از مطابقت، تطابق لفظ به لفظ و بند به بند شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری می‌باشد؟ یا صرف انطباق در شرایط اساسی برای مطابقت اسناد، کفایت می‌کند؟

هر چند قائل شدن به این تفسیر که مقصود از مطابقت توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری با آنچه در شرایط اعتبار مقرر شده، انطباق در شرایط اساسی است؛ نرخ مطابقت اسناد ارائه شده را افزایش می‌دهد و بسیاری از مشکلات ناشی از رد اسناد مغایر را از بین می‌برد؛ اما پذیرش این تفسیر، با مشکل نحوه‌ی تشخیص اساسی و مهم بودن شرط توصیف کالا مواجه است. تشخیص اساسی و مهم بودن یا نبودن یک شرط از توصیف کالا، امری تخصصی بوده و نیازمند بررسی و تفسیر موضوعی در هر پرداخت است. زیرا فقدان یک شرط از توصیف کالا در سیاهه‌ی تجاری که از نظر بانک شرط اساسی تلقی نمی‌شود، ممکن است در روابط تجاری طرفین از اهمیت اساسی و مهمی برخوردار بوده و پرداخت در مقابل چنین سیاهه‌ای، اسباب مسؤولیت بانک پرداخت کننده در مقابل متقاضی و یا بانک گشاینده‌ی اعتبار را فراهم آورد. در واقع، قضاوت در خصوص اساسی بودن یا نبودن یک شرط از توصیف کالا، امری تخصصی است و نمی‌توان از بانک انتظار داشت، تشخیص دهد آیا مغایرت‌های

کوچک می‌تواند به خسارات بزرگ منجر شود یا خیر؟ (Karld: 24)

در مجموع پذیرش این امر که مقصود از مطابقت سیاهه‌ی تجاری با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی، مطابقت در شروط اساسی و مهم می‌باشد، قرار دادن مسؤلیتی فراتر از تکلیف بررسی اسناد، برای بانک‌های پرداخت کننده‌ی وجه اعتبار اسنادی بوده و با ماهیت قرارداد اعتبار اسنادی که سندمحور بوده و معامله‌ی اسناد می‌باشد، مغایر است. در واقع ماهیت اعتبار اسنادی، اجازه‌ی نگرش قابل انعطاف در خصوص بررسی سیاهه‌ی تجاری را نمی‌دهد (Bergami.R: 11-13) به همین علت شرح کالا در سیاهه‌ی تجاری باید دقیقاً همانند شرایط مندرج در اعتبار اسنادی باشد. به عبارت دیگر، سیاهه‌ی تجاری باید تمام شرایط و جزئیات راجع به شرح کالا، که در شروط اعتبار اسنادی ذکر شده، را در بر داشته باشد و از قلم افتادن، یا حتی اضافه شدن یک واژه، سبب مغایرت سیاهه‌ی تجاری با شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی خواهد شد. به طور کلی اندک مغایرت در توصیف کالا، نه تنها بانک را مجاز، بلکه ملکف به رد سیاهه تجاری می‌نماید و دلیل کافی برای توجیه عدم پرداخت وجه اعتبار اسنادی است (ISBP, Par 61). البته با در نظر گرفتن بند «د» ماده‌ی ۱۴ UCP 600 و بند ۶۲ ISBP ترادف و نظم در جزئیات مندرج در سیاهه‌ی تجاری با مفاد اعتبار اسنادی فاقد اهمیت است (Bergami: 11-13). چنانچه سیاهه‌ی تجاری در برگیرنده‌ی تمام جزئیات شرح کالا باشد، اما در ذکر جزئیات نظم و ترتیب شرایط اعتبار رعایت نشده باشد، این سیاهه مغایر تلقی نمی‌شود. همچنین با توجه به بند ۱۰ ماده‌ی ۱۴ UCP 600، درج آدرس ذی‌نفع و درخواست کننده‌ی اعتبار در هر یک از اسناد تصریح شده، نیازی به همخوانی با آدرس‌های ذکر شده در شرایط اعتبار ندارد، اما باید در همان کشور ذکر شده در اعتبار باشد. جزئیات تماس (فاکس، تلفن و ...) که به عنوان بخشی از آدرس ذینفع یا درخواست کننده ذکر شده، نادیده گرفته خواهد شد. به عبارت دیگر مغایرت سیاهه‌ی تجاری و شروط مندرج در قرارداد اعتبار اسنادی چنانچه مربوط به آدرس ذینفع یا متقاضی باشد، نادیده گرفته می‌شود و مانع از پذیرش اسناد و پرداخت وجه اعتبار اسنادی نخواهد بود. این بند از UCP راهکاری مناسب در جهت حل برخی از مشکلات ناشی از بررسی اسناد ارائه

شده از سوی ذینفع می‌باشد. زیرا، در اعتبارات اسنادی موضوع UCP 500 مغایرت میان آدرس متقاضی و ذینفع در اسناد ارائه شده و آدرس آنان در متن اعتبار، علت عمده‌ی امتناع بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی بوده است (فرخی، ۱۳۸۹: ۵۱). تدوین‌کنندگان UCP 600 با تصویب بند مذکور به بسیاری از این مشکلات پایان داده‌اند.



فهرست منابع

- ۱- اشمیتوف، کلایو. ام، مترجم: بهروز اخلاقی و دیگران، *حقوق تجارت بین‌الملل*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- ایکس یانگ، گائو، روس پی بوکلی، مترجم: ماشاءالله بنا نیاسری، «ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی: منشاء اعتبارات اسنادی و منابع آن»، نشریه‌ی مرکز امور حقوق بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳- دریس کول، ریچارد. جی، مترجم: محسن محبی، «نقش اعتبارنامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی (تأملاتی پس از انقلاب ایران)»، مجله‌ی حقوقی دفتر خدمات بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۴- ذوقی، محمدصالح، «آشنایی با اسناد تجاری و حمل و نقل در تجارت بین‌المللی»، نشریه‌ی صنعت حمل و نقل، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵- زمانی فراهانی، مجتبی، *بانکداری خارجی ۲*، انتشارات ترمه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- ۶- شهبازی‌نیا، مرتضی، *شیوه‌های پرداخت در ضمانت‌نامه‌های بانکی و ماهیت اسنادی آن‌ها*، مجله‌ی مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۳.
- ۷- فرخی، حمید، *تفسیر UCP ۶۰۰ تجزیه و تحلیل ماده به ماده توسط گروه پیش‌نویس UCP*، پژوهشکده‌ی پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۸- کریمی، اسدالله، «مروری بر اعتبارات اسنادی و آخرین مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی»، مجله‌ی حقوقی دفتر خدمات بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۹- مرادی‌بنی، محمدعلی، *حقوق و تعهدات بانک در پرداخت‌های بین‌المللی*، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- 10- Astro Exito Navegacion SA v Chase Manhattan Bank NA (The Messiniaki Tolmi), 2 Lloyd's Rep. 217 (CA (Civ Div), 1988.
- 11- Bank Melli Iran v. Barclays Bank (Dominion, Colonial & Overseas) Lloyd's Rep. 367, 1951.

- 12- Bergami, Roberto, UCP 600: Letter of Credit Rules Revised, School of Applied Economic, Institute for Community Engagement and Policy Alternative, Victoria University. At <http://www.mebour-necentre. Com . au/Finsi-MCFS 2007/Roberto -Bergaim - final .pdf>.
- 13- Busto, C.D., UCP 500 & 400 Compared an Article - by – Article detailed analysis of the new UCP 500 compared with the ucp 400, ICC publication No. 511,1993.
- 14- Byine, J.E., 2001 Annual Survey of Letter of Credit Law and Practice, ICC. Dub .S.A.-No. 369, 2002.
- 15- Courtaulds North America, Inc. v. North Carolina Nat. Bank (North Carolina, USA) 528 F.2d 802, C.A.N.C. 1975.
- 16- Equitable Trust Co of New York V. Dawson Partners Ltd [1926] 27 Lloyd’s Rep 49 at 57.
- 17- Gillies, P., & Moens, G., Intenational Trade and Business: Law, Policy and Ethics, Cavendish Publishing (Australia) Pty Limited, Rev 2000.
- 18- Glencore International AG & Anor v. Bank of China, C.L.C. 95, 1996.
- 19- ICC Uniform Customs and Practice for Documentary Credits, ICC Publication, No 600, Rev 2007.
- 20- International Standard Banking Practice for the Examination of Document, Under Documentary Credits, Revision for UCP 600, ICC Publication, No 681E, 2007.
- 21- Karld, A.dr., Thesis “Letter of Credit and The Doctorin of Strict Complince”, held by Prof. Dr. Johan Schelin, University of Uppsala, 2004.
- 22- Krazovska, D., Thesis: Impact of the Doctrine of Strict Compli-ance on the Letter of Credit Transaction, Aarhus University, 2008.

